



قآنی: به وقتش صدای شکستن استخوان دشمنان را خواهید شنید



حیدری به جای طالقانی

فضول باشی؛ مینی فوتبال
و رقابت‌های باشگاهی

باد غرور

خبرهای یک خطی؛ گفته باشم که ...

چرا «دهه دیجیتال» اروپا مهم است؟

موفقیت والیبال ارشق
مرغ همسایه غاز است

حاکمیت غیر فوتبالی‌ها

تکرار داستانی به نام میزبانی

خبرهای یک خطی؛ گفته باشم که ...

رئیس فدراسیون فوتبال به دیدار وزیر امور خارجه رفت و از او برای میزبانی جام ملت‌ها استمداد طلبید.
کسی نیست به این آقای تازه رسیده به قدرت بگوید که سیلی نقد به از حلویا نسیه است. اگر راست می‌گویید و عشق میزبانی داری به دنبال حل مشکل میزبانی مسابقات برگشت مقدماتی جام جهانی را برای تیم ملی حل کنید. نمی‌دانم چرا دوستان و اطرافیان تاج و کفاشیان علاقه به برداشتن سنگ بزرگ دارند.

شهردار اردبیل با فدراسیون کشتی تفاهم نامه امضا کرد و همزمان با آن عده‌ای بر سر شوق آمده و نوشتند: "ورزش استان در مسیر توسعه"

فدای قامت و عزت و شأن و جلال و جبروت مسئولان بروم که این روزها بدجوری بازار عقد تفاهم نامه را داغ داغ کرده‌اند. خلاصه در سال‌های اخیر نقش شهردار در توسعه ورزش و به خصوص فوتبال قابل رونق است و نمونه‌اش هم حال و روز تیم فوتبال شهرداری بوده و هست. انشالله که خداوند به همه دوستداران ورزش عمر عطا نماید تا اثرات تفاهم نامه منعقد شده با فدراسیون کشتی در توسعه ورزش استان را شاهد باشند. ولی دوستان شهردار حتما به وی یادآوری کنند که در مسیر توسعه حتما از آسفالت با کیفیت مناسب استفاده کنند تا توسعه مورد نظر در دام دست‌اندازها گرفتار نشود. انشالله.

تفاهم نامه سه جانبه فدراسیون قایقرانی، اداره کل ورزش و جوانان و شهردار اردبیل اولین بار در تاریخ ورزش این دیار منعقد شد.

شهردار اردبیل در آستانه پایان قرن، عجب توجهی به ورزش دارد! خدا حفظش بکند. این همه دست و دلبازی از او کاملا ستودنی است ولی معنی اولین بار در تاریخ ورزش این دیار را متوجه نشدیم، این که چرا باید تفاهم نامه در ردیف اولین‌های استان قرار بگیرد. خلاصه شهرت بازی در خون برخی هاست و از این بابت نمی‌توان خرده گرفت.

شهردار اردبیل در جلسه شورای عالی ورزش گفت: توسعه زیر ساخت‌های ورزشی در محلات و سایر مناطق در راستای سلامتی جامعه است. باید تمام سلیقه‌های جامعه را برای توسعه ورزش و استعدادیابی در نظر بگیریم.

دروغ بر شهردار، اگر فوتبالی بود و تماشاگری، مطمئن شاعر شهردار، شهردار شهردار را سر می‌دادیم و بنر بزرگی از تمثال‌اش را در بهترین نقطه ورزشگاه نصب می‌کردیم. این همه هواداری و طرفداری از ورزش بی‌نظیر است. زنده باد شهردار، پاینده باد شهردار. شهردار ورزش دوست دوست داریم، شهردار حامی فوتبال را عشق است!!

در محلات حاشیه شهر اردبیل به همت هیئت تیراندازی با کمان مسابقه و آموزش این رشته ورزشی برگزار شد. در سال ۹۹ بهنام کمالی رئیس هیئت استان از جمله رؤسای است که هرچه بیشتر کار کرده افزون‌تر مورد انتقاد قرار گرفته است. بیچاره کارش را شروع نکرده تهدید به استیضاح شد. حالا هم که کار می‌کند و تحرکی به این رشته در سطح منطقه داده است گویا همچنان از طرف رقبا امنیت ریاستش تهدید می‌شود. نمی‌دانم چرا در دنیای مدیریت ورزش استان، آستانه تحمل پذیرش شکست در رقابت‌های انتخاباتی در حد بسیاری پائین آمده است.

مدیر کل ورزش و جوانان استان در شورای عالی ورزش گفته که دو و نیم میلیارد تومان برای تجهیز سالن دوومیدانی لازم است که در برنامه خرید تجهیزات سال ۱۴۰۰ در نظر گرفته شده است.

اصلا چرا سالن تجهیز نشده را با عجله افتتاح کردیم حالا چگونه امیدوار باید بود که حتما در سال آینده همه تجهیزات خریداری شود؟ ولی می‌شود چرا که برخی‌ها خیلی با نفوذ هستند و می‌توان کارهای نشدنی را به سرعت شدنی کرد. امیدواریم که سالن از هر نظر به طور کامل هرچه زودتر آماده بهره‌برداری بشود و به سرنوشت ورزشگاه ۲۰ هزار نفری دچار نشود.

سئوگلی بازی

ورزش را وسیله‌ای برای رسیدن به کمال اخلاقی و مسلح شدن به خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد می‌دانند. در عرصه ورزش به کار بردن کلمات باید روی حساب و کتاب باشد. هر کلمه و عنوان رایج در ورزش برای خود دنیایی خاص و حرمت ویژه‌ای دارند. متأسفانه در سال‌های اخیر بی‌توجهی به این امر موجب شده است که عده‌ای به ناحق القابی را تصاحب کنند و تا می‌توانند فرصتی به دست می‌آورند از این عناوین سوء استفاده می‌کنند.

برخی‌ها آنچنان در ورزش میدان داری کرده و امر و نهی می‌کنند که در ارتباط با ارت پدرشان نمی‌توانند چنان رفتاری داشته باشند. مدیران ضعیف تانفس و کسانی که در به دست آوردن قدرت خود را مدیون می‌دانند از عوامل اصلی برای حکمرانی چنین مهره‌هایی محسوب می‌شوند.

تعجب زمانی بیشتر خواهد شد که ببینی چگونه این افراد از اخلاق، فرهنگ، حق و عدالت صحبت می‌کنند. انگار نه انگار که موقعیت آنها حاصل پایمال شدن حق دیگران است. به روی خود نمی‌آورند که با چاپچاپلوسی. تملق تیشه به ریشه ورزش می‌زنند. به نظر می‌رسد تا زمانی که مسئولیت‌ها در ورزش نه بر اساس شایسته سالاری بلکه بر مبنای سئوگلی بازی واگذار گردد امیدواری به بهتر شدن اوضاع بیهوده خواهد بود.

رفتارهای دل آزار و گذشت زمان

کرنش در مقابل بالا دستی‌ها و گردن فرازی در قبال عامه مردم یکی از نقاط ضعف برخی از مسئولین و دست اندرکاران ورزش به شمار می‌رود.

بارها مشاهده شده است مسئولینی که از سر صدقه دیگران و سفارش این و آن و اعمال نظر و نفوذ سواران قدرت به جایگاهی در ورزش رسیده‌اند نوکری همه بالا دستی‌ها را برای خود افتخاری قلمداد کرده‌اند. آن‌ها در روبرو شدن با "ما بهتران"، زبانشان بند می‌آید و تملق و چاپلوسی پیشه می‌کنند و اگر موقعیتش هم فراهم گردد بر دستانشان بوسه می‌زنند.

اما همین آدم‌های خوار و پست در قبال زیر دستان و افراد مرتبط با حوزه مدیریت آن گردن فرازی و قلدری پیشه کرده به قانون در مواقعی که قانع از منافع آنهاست بی‌توجهی می‌کنند و با استفاده از هر وسیله‌ای برای از دست ندادن موقعیت به دست آورده تلاش می‌نمایند.

آن‌ها باید بدانند برای یک مسئول بهترین حامی و پشتیبان، زیردستان و افراد مرتبط با مجموعه آن‌ها می‌باشد. رفتارهای دل آزار با گذشت زمان به رمز شکست و ناکامی آن‌ها تبدیل می‌شود.

به هوش باشیم و در گذشته‌ها توقف نکنیم. باید از آنچه در گذشته اتفاق افتاده درس بگیریم و آن‌ها را برای برخورداری از آینده‌ای بهتر به کار بندیم.

به حرف کسانی که صادقانه دلسوزی کرده و واقعیت‌ها را می‌گویند گوش بدهیم و باور بکنیم که ورزش ما بیش از پیش می‌تواند رشد و پیشرفت بکند به شرط آنکه از لحاظ فنی و اخلاقی درست هدایت شوند و مدیرانی دلسوز، صادق، علاقه‌مند و وارسته بر سر کار قرار بگیرند.

باد غرور

باد غرور، تشبیه زیبایی است، زیرا غرور، انسان و شخصیت انسان را به صورت کاذب متورم می‌کند. انسان با این شخصیت فکر می‌کند که واقعا بزرگ و قدرتمند است، در حالی که از درون در حال سقوط است و به قول مولانا هر که بر نردبام دنیا بالا بنشیند، چون بیفتد، استخوانش سخت تر خواهد شکست.

چرا باید انسان حد وجودی خود را نشناسد و بخواهد همیشه بالاتر از آنچه هست احساس بودن بکند؟

در همین ورزش استان اگر نگاه تیز بینانه ای ببینیم و اشخاص مختلف و عملکرد آنها را از نظر بگذرانیم با افرادی که در دام "باد غرور" گرفتارند بیشتر مواجه خواهیم شد.

در ورزش منطقه باید میدان را از انحصار کسانی که به دروغ دم از عشق می‌زنند ولی ریاکاری پیشه می‌کنند، خالی کرد.

این قبیل افراد تا کی باید عمر را در خود کامگی و تکبر و ریا سیری بکنند؟ تا کی باید با پناه بردن به دامن دروغ حاشیه امنی برای خود درست بکنند؟ به خود بیایند و به خواست مردم گردن بنهند. انشالله.

تکرار داستانی به نام میزبانی



چه تضمینی وجود دارد که پس از پایان رقابت‌ها هزینه و حق و حقوق مردم به موقع پرداخت گردد و استان و ورزش آن درگیر بدهکاری‌ها نشود.

اگر فدراسیون بر قولی که داده مصمم باشد در صورت انتخاب اردبیل به عنوان میزبان رقابت‌ها بهتر خواهد بود که عقد قرارداد با همه مراکز درگیر توسط خود فدراسیون انجام بگیرد و استان زیر بار هیچ تعهدی نرود و فقط وظیفه هماهنگی و اجرایی را داشته باشد.

ضرب المثلی است که می‌گوید: مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد. حرف و حدیث‌هایی که بدهی‌های قبلی برای ورزش و والیبالی اردبیل داشته و ضرباتی که از این میزبانی ورزش متحمل شده ورزشی‌ها را برای قبول هر وعده‌ای در این ارتباط با شک و تردید همراه می‌کند.

امیدواریم اگر بحث میزبانی عملی بشود اشتباه سال‌های قبل تکرار نشود و بعد از پایان رقابت‌ها شاهد ناله‌ها و گلایه‌های مسئولین وقت و سایه انداختن بدهی‌ها بر سرنوشت ورزش منطقه نباشیم.

احساس مسئولیت

همه این حرف‌ها با احساس مسئولیت و دور نگاه داشتن ورزش نادر استان از هزینه‌های اضافی و تحمیلی است. وظیفه ما گفتن واقعیت‌ها می‌باشد و مسئولیت با مسئولین و تصمیم‌گیرندگان است و امیدواریم که همه تصمیم‌ها به نفع ورزش منطقه باشد. حالا فردا فریاد نزنند که مخالفان میزبانی باج می‌خواهند و اله می‌کنند و پله می‌کنند. متأسفانه در ورزش ما به تازگی‌ها رسم غلطی رایج شده که هر جا در برابر حرف حقی، سخنی برای گفتن نباشد فوراً برای سرپوش گذاشتن به واقعیت‌ها خیلی‌ها را متهم به باج خواهی می‌کنند.

امیدواری

با همه این مسائل، ورزشی‌ها حتماً دعا خواهند کرد که بحث میزبانی اردبیل با حفظ حقوق ورزش استان محقق بشود و با میزبانی مناسب و بدون تعهدات مالی برگ دیگری بر افتخارات ورزش افزوده شود. انشالله

مدیرکل ورزش و جوانان استان اردبیل در جلسه شورای عالی ورزش از احتمال میزبانی اردبیل برای رقابت‌های والیبالی جوانان دنیا خبر داده است.

مسئله میزبانی رقابت‌های مهم بین‌المللی و جهانی با رعایت همه جوانب و در نظر گرفتن نفع و صلاح استان می‌تواند از جنبه‌های مختلف به نفع استان باشد.

توسعه گردشگری ورزشی آرزوی همه دوستداران استان و علاقه‌مندان به ورزش می‌باشد. از طرف دیگر فراهم شدن امکان حضور تماشاگران برای تماشای یک دوره رقابت‌های مهم و جهانی و تأثیر آن برای افزایش هواداران ورزش و رشته‌های خاص، خواسته ورزشی‌های منطقه می‌تواند باشد اما هیچ کدام از این ویژگی‌ها نباید برای استانی که در تأمین حداقل‌ها برای هیئت‌های ورزشی درمانده است تعهد ایجاد بکند.

اردبیل در سال‌های اخیر سه میزبانی مهم والیبالی را بر عهده داشته است. زیرساخت‌های موجود در کنار میهمان‌نازی مردم و وجود مواهب طبیعی از جمله آب‌های گرم سرعین و امکانات اقامتی در آن شهرستان و همدلی و عشق به کار در بین اکثریت کادر ورزش و جوانان و همکاری صمیمانه نهادهای مردمی با عوامل و دست‌اندرکاران مسابقه و در نهایت حضور تماشاگران خونگرم و فهیم، این منطقه را شایسته میزبانی برای رقابت‌های مهم ورزشی و به خصوص والیبالی کرده است.

تجربه تلخ

میزبانی اردبیل برای رقابت‌های والیبالی استان تجربه‌ای بسیار تلخ و زجرآور بوده است. هنوز فراموش نکرده‌ایم که در روزهای اولی که مدیرکل ورزش و جوانان سکان هدایت ورزش استان را بر عهده گرفت مدام از بدهکاری‌های میزبانی‌ها و مشکلات ایجاد شده برای ورزش و تشکیلات منتسب به آن حرف می‌زد.

کار تا جایی پیش رفت که حتی نمایندگان مجلس هم برای رفع این مشکل قدم پیش گذاشتند و جلساتی را برگزار کردند. هرچند که بعدها این جلسات را بدون خروجی و غیر مؤثر در جذب اعتبارات تلقی کردند ولی گویا موقعیت برخی‌ها بیشتر از دیگران برش داشته و می‌گویند در روزهای آینده قرار است بدهی‌ها تسویه شود و مدال طلای این کار بر گردن علاقه‌مندان به مطرح شدن آویزان شود.

حال با این تجربه‌ای که وجود دارد آیا پذیرش ریسکی دیگر می‌تواند مورد قبول واقع شود؟ به خصوص در شرایط موجود و کمبود اعتبارات آیا استان توان تقبل یک گوشه از دهه‌ها گوشه مربوط به هزینه‌های رقابت پیش رو را می‌تواند داشته باشد؟ تجربه می‌گوید اگر میزبانی‌ها روی حساب و کتاب و اقداماتی مناسب انجام نگیرد تنها نفعش برای منطقه و ورزش بی‌اعتماد کردن جامعه به تشکیلات ورزش و ایجاد دردهای تمام نشدنی به دست اندرکاران اداره کل و در نهایت برای ورزش استان می‌باشد.

فدراسیون و هزینه‌ها

مدیرکل ورزش و جوانان اعلام کرده است که کلیه هزینه رقابت‌ها بر عهده فدراسیون والیبالی خواهد بود. در نگاه اول با این شرط همه مشکلات ناشی از میزبانی و درگیری مالی استان مرتفع می‌شود ولی تا چه اندازه می‌توان به این حرف‌ها و قول‌های داده به استان اعتماد کرد؟ مگر در دوره‌های قبلی از این قبیل وعده‌ها داده نشده بود؟



حاکمیت غیر فوتبالی ها



آبها از آسیاب افتاد، هرچه بود تمام شد، چهار سال دیگر با حکومت غیر فوتبالی‌ها و باندهای برای فوتبال این مملکت نمی‌توان سرنوشت خوبی رقم زد. از ناموران فوتبال بلید به خاطر آرائی که در مجمع به صندوق‌ها ریخته شد حلالیت طلبید، کاروان فوتبال همچنان باید لنگ لنگان راه برود و آسمانش ابری و غبارآلود باشد. امتحان داده‌های این عرصه همچنان مورد اقبال صاحبان رهنی هستند، تعجبی هم در کار نیست چرا که چه انتظاری از غیر فوتبالی‌ها باید داشت؟ توقع اینکه آنها به یک فوتبالی روی خوش نشان بدهند بی‌جا بوده و مطمئناً شدنی نیست. آیندگان مسلماً از اقدام اهالی مجمع، حیران خواهند شد. آیا تعجب آور نیست که جادوگر فوتبالی که پیراهن یکی از معتبرترین و معروفترین باشگاه‌های جهان را به تن کرده است رقابت در فوتبال را به یک غیرفوتبالی که تنها ریاست هیئت مدیره یک باشگاه را در کارنامه دارد، ببازد؟ وجدان‌های بیدار چگونه در قبال این رفتارها موضعگیری می‌کنند؟

تخم حکومت و حضور غیرفوتبالی‌ها را چه کسانی در زمین این رشته ورزشی کاشتند؟ چه افرادی زمینه برتری عزیزی‌ها بر کریمی‌ها را در یک آزمون انتخاب مدیر فوتبال فراهم کردند؟ کدام گروه با عشق به حضور در فوتبال با هرگونه تغییر در ساختار آن مبارزه می‌کنند؟ کدام دسته و یا جمعی با برنامه‌ها، اقدامات و نیروهای به کار گرفته، محترمانه صحنه را از فوتبالی‌ها خالی می‌کنند و میدان را برای جولان دادن خود و نوچه‌ها فراهم می‌نمایند.

چرا باید نفس کشیدن در فضای فوتبال لیران برای فوتبالی‌های شش‌دانگ و شناسنامه دار سخت باشد. به یادآورید لحظه‌ای را که کریمی می‌خواست مجمع را ترک کند، چه کسانی او را تشویق کردند و برایش دست زدند و هورا کشیدند؟ همان‌هایی که به او رأی ندادند، آنهایی که یک چهره ناشناخته در فوتبال را به مرد سال آسیا ترجیح دادند وقتی او خواست جمع آنها را ترک کند برایش ابراز احساسات

چه اندازه به فوتبال مناطق مختلف و استان‌ها آشنایی دارد. اگر فوتبال استان‌ها را در رؤسای هیئت‌هایش خلاصه بکند فاتحه را از هم اینک برای فوتبال باید خواند. اگر بدانند و باور کند که که فوتبال استان‌ها نیاز به خانه تکانی دارد، نیاز به افراد صادق و راستگو دارد، بخواد که فوتبال مناطق مختلف کشور را از وجود لمپن‌ها، نوچه‌پورها، دروغ‌گوها و متخصصان وعده و کارشناسان تبلیغات پوچ و بی‌اساس پاکسازی کند می‌توان درصدی به امیدواری‌ها افزود و گرنه انتظار تغییر و تحرک، آب در هاون کوبیدن خواهد بود. عزیزی باید گول زبان‌های چرب، دروغ‌های شاخدار، آمارهای کذایی و قربان صدقه‌های رباکاران مژور را نخورد و با استقلال و حفظ حرمت فوتبالی‌ها برای پاکسازی فضای آن آستین همت بالا بزند. منتظر می‌مانیم تا ببینیم و تعریف بکنیم.

کردند، شما بگوئید این رفتار آقایان را چگونه می‌تواند تفسیر کرد و با چه تعبیری آن را تعریف نمود.

حال آن کسی که رئیس شده مدعی است که برای خدمت به فوتبال آمده است. باید نشست و منتظر ماند و دید که تا چه حد به این وعده‌اش عمل می‌کند؟ آیا اجازه پرداختن به بحث خدمت را خواهد داشت؟ از اولین اقدامش کاملاً مشخص شد که او حفظ بافت فعلی را بیشتر دوست دارد و دلیل این امر ابقای بهاروند به عنوان رئیس سازمان لیگ است.

اگر به این ترتیب پیش برود باید منتظر صدور احکام به برخی از یاران قدیمی و دوستان سال‌های اخیر و به جا مانده از کاروان انتخابات جدید چون عبدالکریم طالقانی و ساکت اصفهانی بود.

اگر چنین گام بردارد امید به بهبودی اوضاع نخواهد بود. او تا

نعمتی برنده جایزه روز جهانی زن از سوی کمیته بین‌المللی پارالمپیک شد

کمیته بین‌المللی پارالمپیک در گزارشی از دو زن و یک فدراسیون جهانی کوشا در راستای برابری جنسیتی تمجید کرد که در آن نام زهرا نعمتی نیز به چشم می‌خورد. به گزارش ایرنا، در روزی که جهان یکصدا فریاد برابری جنسیتی سر می‌دهند، کمیته بین‌المللی پارالمپیک سه پیشتاز برجسته را که با صدای خود جوایز روز پاسداشت زن را از آن خود کردند، ارج می‌نهد.

این روز که با هشتم مارس (۸ اسفندماه) روز جهانی زن همزمان شده است، اساساً زنانی را که در جنبش پارالمپیک ایده آل‌های پارالمپیک را سرمشق خود قرار داده و الگوهای درخشان هستند، مورد تجلیل و تقدیر قرار می‌دهد.

در ادامه این گزارش کمیته بین‌المللی پارالمپیک با نام بردن از «زهرا نعمتی» ملی‌پوش پاراکمان ایران به عنوان یکی از سه زن برگزیده، نوشت: نخستین مدال آور طلای ایران در پارالمپیک و المپیک از سکویی که در اختیار دارد، در زادگاهش برای تبدیل شدن به فعالی در حوزه زنان و افراد معلول استفاده کرده است. نعمتی پس از تاریخ‌سازی در پارالمپیک ۲۰۱۲ لندن، برای غنم‌لیش دادن دستاوردهایی که زنان معلول قادر به فتح آن هستند، پیشتاز بوده است.

نعمتی همچنین در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل متحد شرکت کرده است.



موفقیت والیبال ارشق؛ مرغ همسایه غاز است



امیدواریم دست اندرکاران و سرپرست تیم فرصت آن را پیدا بکنند تا سرنوشت تیم از آغاز تا پایان رقابت‌ها را جهت اطلاع افکار عمومی در اختیار رسانه‌ها قرار بدهند. به نوبه خود آماده‌ایم تا آنجا که در توان داریم برای بازتاب نظرات اعضا و دست اندرکاران تیم در خدمت آن‌ها باشیم تا شاید بتوانیم گوشه‌ای از عدم توجه به انتشار به موقع اخبار تیم را جبران نماییم.

به هر حال تیم شهدای ارشق با موفقیت خود نشان دادند که در صورت عشق به کار می‌توان کارهای زیادی را انجام داد و با تکیه بر نیروهای داخلی برای فردای والیبال منطقه آینده‌ای روشن ترسیم کرد، اما چه باید کرد که از قدیم گفته‌اند مرغ همسایه غاز است

و در نهایت شنیده می‌شود که برای ورودیه این تیم با نامه اداره کل مهلتی قائل شده‌اند و گویا همچنان در مقابل نام قهرمان رقابت‌ها کلمه بدهکار نقش بسته است. به راستی که حمایت از این تیم می‌تواند در آینده والیبال استان تأثیرگذار باشد.

درس خوبی به شهرت بازان قهار دادند. فارغ از هر حاشیه و تفسیری تیم والیبال شهدای ارشق مظلوم‌ترین تیم حاضر در این رقابت‌ها بود. تیمی که به دلیل عدم پرداخت ورودیه، باخت فنی خورد، تیمی که در هر بازی با استرس و ترس از ممانعت از ادامه بازی‌ها به میدان آمد و تیمی که وعده‌ها شنید و با عدم تحقق آن‌ها مواجه شد. کمتر تیمی می‌تواند با مجموعه‌ای از مشکلات کنار بیاید و با موفقیت گام به گام جلو برود. اما تیم ارشق غیر ممکن‌ها را به ممکن‌ها تبدیل کرد و در تاریخ والیبال اردبیل نامی نیک به یادگار گذاشت.

وقتی این تیم با مشکلات دست و پنجه می‌کرد و ناخواندانه به خاطر عدم پرداخت ورودیه با نامهربانی‌ها مواجه گردید. کمتر کسی حال سرپرست و دست اندرکاران آن را جویا می‌شد. حتی رسانه‌ها که با سکوت خبری بر درد و آلام آن‌ها می‌افزود. دلیل بر این ادعا بررسی انعکاس اخبار مربوط به تیم عقاب ملل و تیم ارشق است که می‌تواند پرده از روی بی‌توجهی رسانه‌ای به این تیم بردارد.

دروغ بر غیرت، همت، اراده و توانایی جمعی جوان با کارایی مثال زدنی که فعل خواستن را به خوبی صرف کردند، همه مشکلات را به جان خریدند، با حریفان والیبالی و غیر والیبالی جنگیدند، اجازه نفوذ امواج بی‌توجهی‌ها در عزم راسخشان را ندادند، با برخوردهای سرد و غیر منطقی دلسرد نشدند و در نهایت به آنچه که می‌خواستند، رسیدند و با قهرمانی در گروه ب، قدرتمندانه به لیگ دسته یک صعود کردند و کاری کردند کارستان.

بعد از قهرمانی و کسب افتخار، برای این تیم مشتری زیادی پیدا می‌شود. خیلی‌ها تلاش خواهند کرد که به نحوی از این موفقیت برای خود سهمی در نظر بگیرند و با حرکت‌های پوپولیستی، خود را والیبالی و مؤثر قلمداد نمایند. تصاحب حاصل زحمات دیگران رسمی بد و وصله ناجوری برای ورزش و خصلت مردانگی آن به شمار می‌رود. اما بار اصلی این تیم را خود بازیکنان، مربیان و دست اندرکاران آن بر دوش کشیدند، با حداقل‌ها ساختند و خود را تافته جدا بافته ندانستند و در نهایت نتیجه همه اقدامات مناسب‌شان را با صعود گرفتند و

قائنی: به وقتش صدای شکستن استخوان دشمنان را خواهید شنید

فرمودند استمرار بعثت بود.

وی ادامه داد: به همان دلایلی که با نبی اسلام برخورد‌های تندی را کردند، از روز اول انقلاب اسلامی نیز همه قدرت‌های دنیا مقابله جدی را با ما شروع کردند، اما این انقلاب که با رهبری ولی فقیه و زیر سایه اسلام اداره شد هرکجا حمله سنگینی به انقلاب می‌شد امام از موضوع رهبری در جایگاه فرماندهی قرار می‌گرفتند. فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران با بیان اینکه دوران دفاع مقدس ما جنگ تحمیلی بود، اما امام راحل جنگ تحمیلی را

استکبار جهانی به مردم مظلوم یمن حمله کرده‌اند، اما این روزها ششمین سال مقاومت جانانه این ملت مظلوم است که مانند عملیات کربلای پنج جانانه دفاع می‌کنند.

سردار قائنی افزود: راه تمام نشده است، با وجود مشکلاتی که دشمنان برای انقلاب اسلامی ایجاد می‌کنند اما نظام ما هر روز جلوتر می‌رود و آمریکا و اسرائیلی که سر و صدا می‌کنند اسرائیل و آمریکای روز اول نیستند.

وی با تأکید بر این مطلب که که اسرائیلی‌ها جنایتکار به دنیا آمده‌اند، متذکر شد: امروز اسرائیل به دور خودش

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران با بیان اینکه آمریکا در منطقه ما جنایتکار است، گفت: وقتی به آن‌ها می‌گوییم استخوان‌شان را می‌شکنیم به وقتش صدایش در می‌آید.

به گزارش خبرگزاری فارس از مشهد، سردار اسماعیل قائنی در یادواره شهدای عملیات‌های خیبر و بدر که در مجتمع فرهنگی آیه‌ها برگزار شد، اظهار کرد: مبعث مبارک نبی مکرم اسلام و ایام ماه رجب را به شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم و در سالروز ولادت امام حسین(ع) دعا می‌کنیم جزو



پیروان خاندان عصمت و طهارت باشیم.

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران گفت: اگرچه این مراسم به نام شهدای خیبر و بدر است اما این مراسم، زمینه‌ای برای احترام به شهدای والامقام مانند شهید شوشتری که در خراسان رضوی پیشرو بودند فراهم می‌کند.

وی متذکر شد: همان میزان که شهدا برای دفاع از انقلاب از همه چیز خود گذشتند خانواده‌ها نیز در این مسیر آن‌ها را همراهی کردند و بعد از شهادت بار سنگین زندگی را، همسران و مادران شهدا بر دوش کشیدند.

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران بیان کرد: انصافاً از زمانی که دکتر قالیباف رییس مجلس شورای اسلامی شدند تحول عظیمی در این زمینه انجام شده است.

سردار قائنی خاطرنشان کرد: انقلاب اسلامی ما نقطه شروع و کانون یک تحول بزرگ در منطقه بوده است، استمرار حرکت نبی مکرم اسلام(ص) همانطور که رهبری در روز گذشته

به دفاع مقدس تبدیل کردند، ابراز کرد: دفاعی که همه مردم برای حفظ این نظام بسیج شدند و جنگ به دانشگاهی بزرگ تبدیل شد که هر روز دانشجویان درخشانی بیرون از این دانشگاه بیرون می‌آیند.

سردار قائنی اضافه کرد: در این دانشگاه شهیدان ما حکم استادی گرفتند، زیرا در عمل استاد بودند و زیر نظر خود، افراد زیادی را تربیت می‌کردند و امروز زیر نظر این استادان میلیون‌ها آدم در دنیا تربیت می‌شوند.

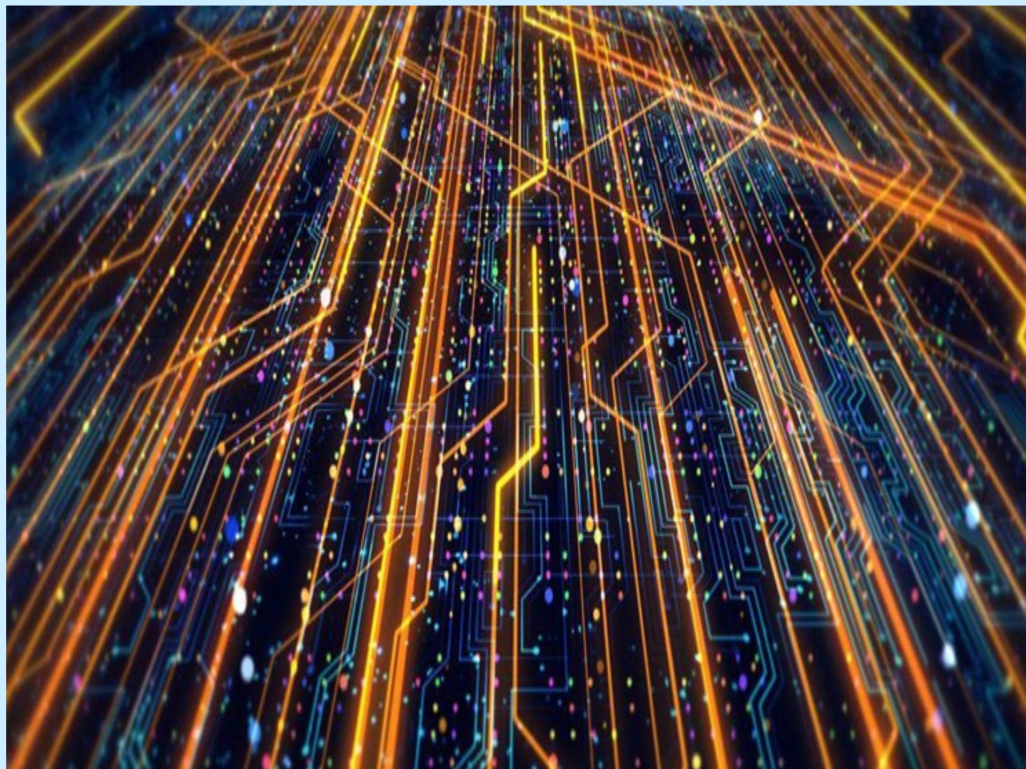
وی با اشاره به اینکه هرکسی که امروز می‌خواهد دلیل نشود باید از مکتب شهدا پیروی کند، گفت: فلسطینی که امروز تحول‌های عظیمی را رقم زده از شهدای ما درس گرفته است.

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران خاطرنشان کرد: کشورهای بی‌خاصیت و فاسد عرب در رأس آن سعودی و

دیواری‌های ۶ متری می‌کشد که خراب خواهد شد. فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران با بیان اینکه آمریکا در منطقه ما جنایتکار است، متذکر شد: وقتی به آن‌ها می‌گوییم استخوان‌شان را می‌شکنیم به وقتش صدایش در می‌آید، اینجا مملکت امام زمان است با وجود همه مشکلات ملت ما محکم ایستادگی کرده‌اند، امیدواریم این حکومت با دست مبارک شما عزیزان به دست صاحب اصلی‌اش برسد.

گفتنی است: سردار قائنی از فرماندهان خراسانی دفاع مقدس است که در طول جنگ تحمیلی، فرماندهی لشکرهای ۵ نصر و ۱۱ امام رضا(ع) را عهده‌دار بود و در اواخر خورشیدی به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد.

چرا «دهه دیجیتال» اروپا مهم است؟



دیجیتالیزه کردن خطرات مهمی با خود دارد، از نظارت جمعی و حملات سایبری به زیرساخت های حساس گرفته تا انتشار اطلاعات دروغین با حمایت دولت ها که برای قطبی کردن جوامع و تضعیف دموکراسی طراحی شده اند.

خبرگزاری فارس - گروه غرب از نگاه غرب: هفته گذشته کمیسیون اروپایی دیدگاه خود را نسبت به «دهه دیجیتال» اروپا اعلام کرد. اتحادیه اروپا با این سیاست که سال ۲۰۳۰ را هدف خود قرار داده، با تمرکز بر چهار مسئله اساسی مهارت ها، زیرساخت ها و ظرفیت ها، خدمات دولتی و دیجیتالیزه کردن کسب و کار، در نظر دارد پیشتازی خود را در انقلاب دیجیتال فعلی حفظ کند.

برای تضمین اینکه فناوری قدرت لازم را برای ساختن جامعه ای مرفه تر و شمول گراتر به شهروندان و کسب و کارها می دهد، ما به بازارهای باز و رقابتی نیاز داریم. کارآفرینی ها در هر اندازه ای که هستند باید از فرصت برابر برای نوآوری و تامین محصولات و خدمات به مصرف کنندگان برخوردار باشند.

در نگاهی کلی تر، دیجیتالیزه کردن اکنون کلید انباشت قدرت اقتصادی و اجتماعی و اعمال نفوذ جهانی محسوب می شود. آینده مشترک ما از همین حالا در عرصه دیجیتال در حال شکل گیری است. در جهانی که رقابت ژئوپلیتیکی برای دست یافتن به برتری تکنولوژیک از مشخصه های آن است، باید اطمینان حاصل کنیم که دیدگاه اروپا با دیجیتالیزه شدن - بر اساس جوامع باز، حاکمیت قانون و آزادی های بنیادین - ارزشمندی خود را به نسبت سیستم های تمامیت گرایانه ای که از فناوری های دیجیتال به عنوان ابزاری برای نظارت و سرکوب استفاده می کنند، ثابت می کند.

اتحادیه اروپا با تقویت توانایی های خود می تواند به فراهم کردن بهتر زمینه های انتقال دیجیتال در جهان کمک کند. موفقیت دهه دیجیتال اروپا مستلزم این خواهد بود که اتحادیه اروپا اتحادها و روابط کاری قدرتمندی را با کشورهای همفکر هم به شکل دو جانبه و هم چند جانبه شکل دهد. چرا که دستیابی به مزایای کامل نوآوری تکنولوژیک مستلزم تعاون یک اقتصاد دیجیتال باز است که در آن سرمایه گذاری ها بتوانند آزادانه جریان پیدا کنند. و اینکه آیا ما راه حل های سلامت دیجیتال، مبارزه با تروریسم، کاستن از تغییرات اقلیمی، حفاظت از تنوع زیستی یا استفاده از فناوری برای پیش بینی بلایای طبیعی و همه گیری های آتی را به کار می گیریم یا نه، مستلزم همکاری های تکنولوژیک بین المللی بسیار بیشتری خواهد بود.

اما دیجیتالیزه کردن خطرات مهمی با خود دارد، از نظارت جمعی و حملات سایبری به زیرساخت های حساس گرفته تا انتشار اطلاعات دروغین با

برای مثال یک «صندوق ارتباطات دیجیتال» می تواند این سه تلاش را مد نظر خود قرار دهد و ما در ماه های آینده به همراه شرکای خود امکان پذیری چنین ایده هایی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

سرانجام اینکه حفظ یک اینترنت امن اما باز مستلزم این است که مدل جامع تری از چند جانبه گرایی را بسازیم که نه تنها دولت ها بلکه نمایندگان جامعه مدنی، بخش خصوصی و دانشگاهیان را نیز گرد هم آورد. سپس این مدل می تواند راهنمای اقدامات ما در درون سازمان های بین المللی - از سازمان ملل و سازمان تجارت جهانی گرفته تا اتحادیه بین المللی ارتباطات - باشد تا تضمین شود که قوانین و مقررات بین المللی در راستای این اهداف قرار دارند.

در سراسر این روند نخی مشترک که از اصول مشترک تنیده شده، راهنمای اقدامات ما برای دستیابی به یک انقلاب دیجیتال انسان مرکز خواهد بود که مزایای فناوری را به حداکثر و خطرات ناشی از آن را به حداقل خواهد رساند. در فضای سایبری همانند دنیای فیزیکی، اروپا همچنان به پای ارزش های جهانی بنیادین خواهد ایستاد. در اعلامیه حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ بر کرامت فردی، حق برخورداری از حریم خصوصی تا عدم تبعیض و آزادی بیان و عقیده تاکید شده است. وظیفه مشترک ما اطمینان از این است که انقلاب دیجیتال مطابق با این وعده به پیش برود.

فناوری های در حال ظهور بر مبنای ارزش های مشترک، بهره مندی از ثمرات نوآوری های یکدیگر و در نظر گرفتن حفاظت های قوی تر در برابر حملات سایبری وضع کنیم. یک ائتلاف از شرکای دارای طرز فکر مشترک می تواند تضمین دهد که وابستگی متقابل زنجیره های تامین دیجیتال ما به جای منبعی برای مخاطرات جدید، به منبعی از امنیت و بهبودپذیری تبدیل می شود.

نکته دیگری که به همین اندازه اهمیت دارد، این است که دهه دیجیتال آخرین شانس ما برای دنبال کردن «اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰» است. ما می دانیم که فناوری دیجیتال پتانسیل تسهیل همه شمول کردن و دسترسی به خدمات دولتی در سراسر جهان را دارد. در آفریقا سهم جمعیتی که به اینترنت دسترسی دارند از ۲ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش پیدا کرده و در نتیجه کودکان بیشتری قادر به تحصیل و زنان بیشتری قادر به اشتغال مطمئن شده اند. اما تا وقتی شکاف دیجیتال جهانی را ترمیم نکرده ایم، نخواهیم توانست پتانسیل کامل فناوری های جدید را محقق کنیم.

برای رسیدن به این هدف اتحادیه اروپا به زودی ابتکاری را برای ترکیب کردن منابع مالی و همکاری های فنی پیشنهاد می کند تا به شرکای خود کمک کند چهارچوب های حاکمیت دیجیتال خود را از جمله در حوزه هایی چون امنیت سایبری و حفاظت از داده ها شکل دهند.

حمایت دولت ها که برای قطبی کردن جوامع و تضعیف دموکراسی طراحی شده اند. این یعنی ما باید بین باز بودن و سایر منافع و ارزش های محوری خود یک توازن به وجود آوریم. به طور خاص ما باید به سه اصل فراگیر پایبند بمانیم: یک میدان بازی برابر در بازارهای دیجیتال، امنیت در فضای سایبری و آزادی آنلاین (از جمله حفاظت ها از آزادی بیان و تجمعات و مقابله با تبعیض و نقض حریم خصوصی).

اتحادیه اروپا در راستای عزم خود برای تقویت بیشتر روابط دو جانبه، وضع استانداردهای شفاف تر و تشکیل زنجیره های تامین دیجیتال قدرتمندتر، در ماه های اخیر با پیشنهاد تشکیل یک «شورای تجارت و فناوری» مشترک به دولت پرزیدنت جو بایدن نزدیک شده است. علاوه بر این اتحادیه به دنبال شکل دهی یک ائتلاف جهانی حول یک دیدگاه مشترک نسبت به دیجیتالیزه شدن انسان مرکز است. ما باید به دیگر کسانی ملحق شویم که به همکاری برای تامین حاکمیت دموکراتیک کارآمد به فناوری و اقتصاد دیجیتال تمایل دارند. هر گونه ائتلافی از این دست باید به روی تمام کسانی که آمادگی دفاع از مدل باز و تمرکززدایی شده اینترنت و اصول انصاف در بازارهای دیجیتال، امنیت در فضای سایبری و آزادی های فردی آنلاین دارند باز باشد.

ما از طریق همکاری با یکدیگر می توانیم استانداردهایی را برای هوش مصنوعی و سایر



حیدری به جای طالقانی

رئیس هیئت فوتبال استان چهارمحال و بختیاری مسئولیت ریاست کمیته امور استان‌های فدراسیون را بر عهده گرفت.

طهمورث حیدری که با کسب ۲۳ رأی به عنوان نماینده هیات‌های فوتبال، به هیئت رئیسه فدراسیون راه یافته بود، به جای عبدالکاظم طالقانی رئیس کمیته امور استان‌های فدراسیون فوتبال شد.

عدم اعتماد اعضای مجمع به طالقانی، بازتابی از عملکرد جنس‌دارانه وی در چهار سال گذشته بود. با اعلام نتایج انتخابات وقتی خط قرمزی ضخیم بر روی نام طالقانی کشیده شد هواداران واقعی فوتبال در استان‌ها از ته دل خوشحال شدند.

تاریخ در مورد کسانی که به خاطر رأی و حفظ موقعیت، فوتبال مناطق مختلف را بازیچه قرار داده و ضربات سختی به تن آنها وارد کرده است هرگز نخواهد بخشید.

استان‌هایی که عملکرد ضعیفش در فوتبال با توجه به نتایج خجلت آور در طی سال‌های اخیر صاحب عناوین دهان پر کن و غیر واقعی از طرف کمیته امور استان‌ها شده‌اند، پایه‌هایش توسط مسئول کمیته امور استان‌های وقت فدراسیون پایه‌ریزی شد و بدعت ناجوری در فوتبال به یادگار گذاشت.

در نظام مقدس جمهوری اسلامی، یک مسئول باید پاسخگو باشد و حرف همه را بشنود و قبل از تحقیق تصمیم خود را نگیرد ولی متأسفانه طالقانی به این امر هیچ اعتقادی نداشت. در سفرهای استانی که برای خالی نبودن عریضه و به عبارتی بررسی عملکردها لنجام می‌داد از منتقدین هیئت‌ها گریزان بود. در زیر یک سقف با مسئولین هیئت می‌نشستند و فرم‌ها را پر می‌کردند و امتیازها را تقسیم می‌نمودند و دوستان را در سطح کشور به عناوینی مفتخر می‌کردند. عناوین هدایی عبدالکاظم طالقانی به برخی از هیئت‌ها چیزی جز گول زدن مردم نبود و افسوس که ارگان‌های نظارتی، رئیس فدراسیون و حتی کمیته اخلاق فدراسیون نیز به این امر بی‌تفاوت بوده و برای ادامه این روش چراغ سبز نشان می‌دادند.

فوتبال اردبیل از این مسئول کمیته استان‌های فدراسیون خسارت زیادی دیده است. نمی‌توان فراموش کرد که با اشاره دوستلانش به راحتی یک لیوان آب خوردن با صلاحیت‌های ورزش اردبیل را مقتدرانه رد صلاحیت می‌کردند و دلایل رد را به طور شفاف اطلاع رسانی نمی‌کردند.

خلاصه اقدامات خود محورانه جایی به بن بست می‌خورد، کارهایی که به خاطر جلب رضای پروردگار صورت نگیرد با گذشت زمان ترکش‌هایش بدجوری آدمی را مغموم و غمگین می‌نماید. پایمال کردن حق مسلم عده‌ای به منظور مهندسی کردن یک انتخابات برای

حفظ منافع باندی و گروهی همیشه بی‌جواب نمی‌ماند. خداوند بزرگ است و رحیم و همیشه حامی مظلومان و ستم دیده‌ها. انتخابات فدراسیون فوتبال در دوره جاری اگر هیچ نفعی به فوتبال نداشته باشد همین رأی نیاوردن فردی که عنوان خدمتگزار و نماینده فوتبال استان‌ها را با خود داشت برای فوتبال استان‌های محروم و زجر کشیده بزرگ‌ترین پاداش و عیدی می‌تواند باشد.

فضول باشی؛ مینی فوتبال و رقابت‌های باشگاهی

فضول باشی این یار شفیق، دوست صدیق و علاقه‌مند به ورزش عهد عتیق گفت: ورزش استان اردبیل عجب داستانی دارد. هر کس برای خودش در حوزه مسئولیتش، دولتی تشکیل داده و اعلام خودمختاری نموده است. خود می‌پسند و می‌دوزند، کافی است که در هر مناسبتی در آغوش رئیس قرار بگیرند، احساس آرامش بکنند و مجوز رفتار به هر سبک و طریقی را اخذ نمایند.

نظارت هم که قربانش بروم، گویا در ورزش گم شده بزرگی است. هنوز یادمان نرفته است، مدت‌ها از شفاف‌سازی و به خصوص شفاف‌سازی مالی و معرفی متخلفین احتمالی گفتند و وعده‌ها دادند ولی تا حال گزارشی که نشان از عمل به این وعده هاست، ارائه نشده است، فقط حرف بزنند و لازم شد با اتهام زنی نسبت به ساکت کردن برخی اقدام کنند.

تا به یکی بگویی بالای چشمت ابروست، بگویند باج خواهی کردند. خودشان شب و روز در حال باج دادن و رتق و فتق امور به دلخواه هستند اما به کسانی که حاضر به قبول اوامرشان نیستند خط و نشان می‌کشند.

گفتم باز چیه که آب چند حوض را با هم قاطی کرده و از هر دری سخن می‌گویی. مقدمه کافی است برو بر سر اصل مطلب و از خودمختاری‌ها و خودمختاری‌ها و تنگ نظری‌ها بگو.

فضول باشی سری تکان داد و گفت: زیاد نمی‌خواهم وقت شما را بگیرم. دو کلمه حرف می‌زنم و خلاص. کمیته مینی فوتبال هیئت ورزش‌های همگانی در راستای وظایف قانونی و تعریف شده‌اش می‌خواهد مسابقات رده‌های مختلف سنی را برگزار کند، بلافاصله هیئت فوتبال اطلاعیه داده مدارس فوتبال را از شرکت در آن رقابت‌ها منع و مورد تهدید قرار می‌دهد. خوب این حرکت و این موضعگیری چه مفهومی جز دخالت در امور یک فدراسیون و یک هیئت دارد؟ حالا کسی نیست به این حضرات بگوید که دلاور مردان، شما که حال لازم برای برگزاری مسابقات ندارید و سال به پیلان رسیده و خبری از رقابت‌های فوتبال نیست به چه علتی در مقابل آنهایی که می‌خواهند کار بکنند سنگ لندازی می‌کنید؟

در ادامه می‌گوید: حالا اداره کل ورزش و جوانان هم با آن طول و عرض و تشکیلات و جلال و جبروت در این رابطه چه کاری انجام داده و چگونه از حق و حقوق یکی از هیئت‌های پر کار و پر تلاش دفاع کرده و با اقدام به موقع وظایف هر کدام از طرفین درگیر این قضیه را یادآوری و تفهیم کرده است؟

به او گفتم: چه می‌گویی، از هیئت فوتبال حرف می‌زنی که تافته جدا بافته است! اساسنامه و عمل به آن که در خیلی موارد قربانش بروم. خلاصه مستقل‌اند و زیاد پایبند شدن می‌تواند حتی تعلیق فوتبال مملکت را به دنبال داشته باشد.

حرفم را قطع کرد و گفت: نظر تو هم درسته، فعلا تا عده‌ای بر سر کار هستند چاره‌ای جز پناه بردن به آغوش دیگران و اصرار بر کارهای غیر قانونی ندارند. ولی برادر، اداره کل باید قدم پیش بگذارد و از حق طبیعی هیئت ورزش‌های همگانی دفاع کرده و کمیته مینی فوتبال آن را که در رأس یکی از افتخارات فوتبال اردبیل قرار گرفته حمایت کند. ترسم از

این است که هم آغوش شدن با رؤسا توسط خیلی‌ها اثرات زیادی به دنبال داشته باشد مثلاً برگزاری هرگونه فعالیت فوتبالی لا نفره و ۵ نفره در سطح کشور را ممنوع بکنند. راستی فوتبال ناشنویان چگونه؟ چرا اجازه می‌دهند که فعالیت

آن زیر نظر هیئت ناشنویان انجام بگیرد؟ وقتی مسابقات فوتبال غوغا می‌کند چه نیازی به مینی فوتبال وجود دارد؟ آنها

یاغی هستند و بیشتر از کوپن خود در مورد فوتبال صحبت می‌کنند و باید درب کمیته‌اش تخته شود تا جسارتی به ساحت پرکار و پرتلاش هیئت فوتبال نگردد.

مشگین شهر، قهرمان مینی فوتبال

به همت کمیته مینی فوتبال هیئت ورزش‌های همگانی یک دوره مسابقه چهارجانبه بانوان به میزبانی اردبیل برگزار شد که در پایان با قهرمانی تیم مشگین شهر به پایان رسید.

